

انسان، نه سود!

به یاد پرویز بابایی،

نویسنده، مترجم، اندیشمند و پیشکسوت جنبش کارگری ایران

تقدیر از آقای بابایی

محمد صفوی



پرویز بابایی در کنگره‌ی کنفرانس سالانه کنگره کار کانادا در ماه ژوئن ۲۰۰۲

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما، عدم ماست

پرویز بابایی فعال باسابقه و سخت‌کوش جنبش کارگری، نویسنده، مترجم و پژوهشگر سوسیالیست که زندگی پربار و تأثیرگذار او به معنای حرکت و مبارزه برای رهایی طبقه‌ی کارگر و تولید اندیشه‌ی نو و فرهنگ‌سازی در کشور ماتم‌زده‌ی ما بود، با اندوه فراوان در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۴۰۳ (۶ آوریل ۲۰۲۴) از میان ما رفت.

ضمن تسلیت به خانواده و بازماندگان گرامی وی با همه‌ی کسانی که او را می‌شناختند همدردی می‌کنیم و زندگی پر بارش را ارج می‌گذاریم.

نوشتن در مورد زنده‌یاد پرویز بابایی که از نوجوانی به اجبار جذب بازار کار شده بود و از جوانی در فعالیت‌های جنبش کارگری و سیاسی زمانه‌ی خود شرکت فعال کرده بود و رنج زندان و اذیت و آزار ساواک و سرکوب دوران راه، بارها متحمل شده بود کار ساده‌ای نیست.

بی‌شک کسانی که از دیرباز تاکنون با دغدغه‌های انسانی و برابری‌خواهانه‌ی او آشنا هستند در مورد زنده‌یاد پرویز بابایی و تأثیرگذاری او در پیشبرد فرهنگ و سیاست و فلسفه در کشور ما، بیشتر خواهند نوشت و ما را به جنبه‌های مختلف زندگی پربار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی وی آشنا خواهند کرد.

یادداشت زیر تنها بخشی اندک و مختصر از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار پرویز بابایی است. این بخش درباره‌ی زمانی است که وی همراه با دو تن از فعالان و پژوهشگران سیاسی و کارگری در سال ۲۰۰۲، از ایران برای شرکت در نشست‌های تشکل‌های کارگری کانادا به این کشور دعوت شدند. در این دیدار هیأت ایرانی در شهرهای تورنتو، ونکوور و ویندسور، با رهبران کارگری این کشور ملاقات کردند. در نشست‌ها و کنوانسیون‌های و سمینارهای متفاوت کارگری که به زبان‌های انگلیسی و فارسی برگزار شدند حضور یافتند و تلاش کردند که صدای حق‌طلبانه‌ی طبقه‌ی کارگر ایران را به گوش رهبران و تشکل‌های کارگری کانادا و به ایرانیان مقیم این کشور برسانند.

انسان، نه سود!

در ماه ژوئن، ۲۰۰۲، من و همسر من به همراه دیگر دوستان و فعالان اجتماعی و سیاسی شهر ونکوور برای مدت کوتاهی میزبان زنده‌یاد پرویز بابایی بودیم. وی به همراه علیرضا ثقفی خراسانی، مترجم و پژوهشگر مسائل کارگری و فعال سیاسی، محمدرضا عاشوری، مدیر مسئول ماهنامه‌ی وزین «اندیشه و جامعه» (۱۳۷۷ - ۱۳۸۰)، در ماه ژوئن ۲۰۰۲، با تلاش‌های فعالان کارگری ایرانی - کانادایی و به دعوت اتحادیه‌ی کارگران خدمات عمومی کانادا و حمایت کنگره‌ی کار کانادا و دیگر اتحادیه‌ی کارگری این کشور برای شرکت در چند نشست و کنوانسیون کارگری به کانادا دعوت شدند. این نخستین بار بود یک هیأت مستقل کارگری در زمانه‌ی جمهوری اسلامی از ایران برای رساندن صدای حق‌خواهانه‌ی کارگران ایران به کانادا یا به خارج از کشور می‌آمد. علاوه بر این، پرویز بابایی به همراه دیگر فعالان و پژوهشگران زن و مرد جنبش کارگری که از امریکا و کانادا و اروپا دعوت شده بودند در اول و دوم ژوئن ۲۰۰۲ در سمیناری دوازده‌روزه تحت عنوان «جنبش کارگری ایران، موانع و چشم‌اندازها» که به زبان فارسی در ساختمان شهرداری تورنتو برگزار شد شرکت کردند. این سمینار با سخنان رهبران کارگری کانادا در همبستگی با مبارزات کارگران ایران آغاز شد. پس از آن پرویز بابایی به‌عنوان یکی از سخنرانان در مورد «نحوه‌ی شکل‌گیری و فعالیت سندیکاها کارگری در ایران» سخنرانی کرد. وی در مورد تلاش فعالان مستقل کارگری ایران برای تشکیل سندیکاها، صنایع مختلف و نحوه‌ی شکل‌گیری آنها در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ به‌اختصار صحبت کرد و از تجربه‌ی سازماندهی در زیر تیغ سرکوب ساواک و حکومت سرکوبگر شاه گفت. او همچنین به تجربه‌ی شکل‌گیری تشکل‌های کارگری - شوراهای سندیکاها - در مقطع انقلاب ۱۳۵۷ اشاره کرد و در ادامه به ایجاد فضای سرکوب دهه‌ی ۶۰ پرداخت که فعالان کارگری و تشکل‌های نوپای کارگری قربانی سیاست سرکوب و سرانجام دچار ازهم‌پاشیدگی و شکست شدند.

پس از پایان نشست‌ها و دیدارها در تورنتو، پرویز بابایی به همراه هیأت ایرانی و به‌اتفاق زنده‌یاد یداله خسروشاهی از رهبران کارگری صنعت نفت برای شرکت در کنفرانس سالانه‌ی کنگره‌ی کار کانادا که در ماه ژوئن ۲۰۰۲ در ونکوور کانادا برگزار شد به شهر ونکوور آمدند. این کنفرانس به مدت سه روز با حضور ۳۵۰۰ نماینده‌ی

کارگری از سراسر کانادا در این شهر برگزار شد که برای هیأت ایرانی، تجربه‌ای آموزنده بود. اضافه بر این پرویز بابایی با فعالان کارگری سابق که از دوران شاه و پس از آن در صنایع نفت و گاز و چاپ به عنوان فعالان کارگری کار کرده بودند و از سال‌ها قبل در شهر ونکوور زندگی می‌کردند، دیدارهایی داشت. در این دیدارها و ملاقات‌ها پرویز بابایی به‌عنوان یکی از پیش‌کسوت‌های جنبش کارگری و سندیکایی ایران و کسی که بخش عظیمی از تاریخ شفاهی جنبش کارگری را با خود همراه داشت، از خاطرات خود از دورانی که از نوجوانی وارد بازار کار شده بود، از تجربیات کاری‌اش که به‌عنوان یک کارگر جوان در چاپخانه کار کرده بود، از خاطرات کار در چاپخانه‌ی شرکت نفت آبادان که به‌عنوان حروف‌چین در سال ۱۳۲۷ در آن استخدام شده بود و کارهای حروف‌چینی روزنامه‌ی «اخبار روز» را در این شهر انجام داده بود، صحبت می‌کرد.

در مدت کوتاهی که ایشان در ونکوور بود در یک برنامه‌ی سخنرانی نیز که از طرف فعالان اجتماعی و سیاسی شهر ونکوور تدارک دیده شده بود به همراه ثقفی و عاشوری و زنده‌یاد یداله خسروشاهی، از زوایای مختلفی در مورد وضعیت دشوار طبقه‌ی کارگر ایران، برای ایرانیان مقیم ونکوور صحبت کردند. بابایی، با توجه به تجربه‌ی چند دهه جنبش کارگری ایران معتقد به تشکیل تشکلهای مستقل کارگری، مستقل از احزاب و گروه‌های سیاسی و حکومت‌ها و صاحبان سرمایه بود.

دیگر جنبه‌ی مثبت زندگی این پیش‌کسوت کارگری که در رفتار روزانه‌اش بازتاب داشت، برخورداری از روحیه‌ی سرشار از زندگی و امید و توجه‌اش به سلامتی و مراقبت‌های فردی بود. به همین سبب با تمام سختی‌ها و رنج زندان و سرکوب که طی سال‌ها، در دوران فعالیت‌های کارگری و زندگی پر بارش تجربه کرده بود نه تنها او را از پا در نیآورده بود بلکه چنانکه شاعر بزرگ شاملو می‌سراید، پرویز بابایی، «از خویشتن خویش بارویی پی افکنده بود!» بارویی مستحکم و پایدار! به همین سبب وی در مدتی که در ونکوور بود، هر روز را با انجام ورزش صبح‌گاهی و نرمش و دویدن شروع می‌کرد. او به شنا کردن نیز علاقه زیادی داشت. در مدت کوتاهی که در ونکوور بود در آب رودخانه‌ای که در آن فصل سال سرد بود - و مردم محلی از شنا کردن در آن رودخانه‌ی سرد اجتناب می‌کردند - اما پرویز بی‌محابا تن به آب سرد رودخانه داد! او معتقد بود

انسان، نه سود!

که شنا کردن در آب سرد برای سلامتی و طول عمر بسیار مفید است و مانع از سرماخوردگی هم می‌شود!

پرویز بابایی همچنین در کنوانسیون سالانه‌ی فدراسیون اتحادیه‌ی کارگری کانادا که در شهر «وندسور» برگزار شد به‌عنوان میهمان نیز شرکت کرد و در حضور ۷۰۰ نماینده‌ی اتحادیه‌های کارگری استان اونتاریو کانادا، که کنوانسیون خود را با شعار محوری «انسان، نه سود!» برگزار کرده بودند، پیام هیأت ایرانی را که در ادامه آمده است در این کنوانسیون خواند.

انسان، نه سود!

خواهران و برادران، هیأت رئیسه!

اینجانب و همراهانم افتخار داریم که به کنوانسیون باشکوه شما دعوت شده‌ایم. بدین مناسبت مراتب سپاسگزاری خود را ابراز می‌داریم، بدیهی است که این‌جانبان از سوی هیچ نهاد رسمی دولتی و غیردولتی نمایندگی نداریم.

دوستان عزیز! در واقع، کارگران همه‌ی کشورها سرگذشت مشترکی داشته‌اند. همان‌طور که کارگران کانادا در اوایل سده‌ی بیستم در دوران نبود تشکل‌ها برای حفظ شغل خود و جلوگیری از گرسنگی همسران و کودکانشان ناگزیر بودند به متصدیان قسمت‌ها (فورمن‌ها) باج بدهند و در ساعات فراغت از کار در خانه‌های رؤسا و کارفرمایان بیگاری کنند، کارگران کشور ما هم در همان زمان، به‌ویژه در صنایع نفت متعلق به کمپانی انگلیسی سابق در معرض انواع تحقیرها و شکنجه‌ها قرار داشتند. با این تفاوت که اعتراضات و اعتصابات کارگران ایرانی بارها به خون کشیده می‌شد و در آن میان صدها نفر از آنان کشته و زخمی و بازداشت می‌گردیدند.

در موقعیت بین‌المللی کنونی نیز، کارگران جهان با مسایل مشترکی روبه‌رو هستند. مسئله‌ی جهانی‌شدن و نئولیبرالیسم، مشکلات فراوانی برای کارگران همه‌ی جهان به وجود آورده است. حرکت آزادانه‌ی سرمایه، در سطح جهانی رو به گسترش است. حال

آن که وضعیت کارگران جهان بیش از پیش به وخامت می‌گراید. بلوک اقتصادی در سطح بین‌المللی گرچه میزان سودآوری سرمایه را به نحو سرسام‌آوری بالا برده‌اند، از سوی دیگر فقر و فلاکت و ناامنی شغلی را بر جامعه‌ی جهانی کارگری مستولی کرده‌اند. خود شما از نزدیک شاهد چنین تحولاتی هستید. مثلاً می‌توان به همین قرارداد تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) اشاره کرد.

سرمایه در جست‌وجوی کارگر ارزان، با بیکار کردن شما، به انگیزه‌ی سود بیشتر به جنوب قاره نقل‌مکان می‌کند. حال باید پرسید چرا کارگران جهان نباید در جهت یکسان‌سازی دستمزدها همکاری‌های بین‌المللی را سازمان بدهند؟ همگان اطلاع دارید که با تراژدی انسانی یازده سپتامبر ۲۰۰۱، فرایند مذکور به مرحله‌ی نوینی وارد شده و آن را تشدید کرده است. سرمایه‌ی جهانی با دست‌آویز قراردادن حادثه‌ی یازده سپتامبر نظامی‌گری و نژادپرستی را با سرکوب و حملات نظامی به‌ویژه در خاورمیانه و منطقه‌ی فلسطین تشدید کرده، آرامش و امنیت مردم کشورهای پیشرفته را نیز سلب کرده است. مشکل واقعی اکثر کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی در مقطع کنونی، ناامنی شغلی، بیکارسازی‌های میلیونی و خصوصی‌سازی‌ها است. در ایران نیز کارگران مشکلات مشابهی دارند. پس از پایان جنگ هشت‌ساله‌ی ایران و عراق که خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه‌ی ما دربر داشت، با پیش گرفتن سیاست تعدیل ساختاری که در واقع همان نسخه‌های تجویز شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود، زندگی کارگران و مزدبگیران ایران بیش از پیش وخیم شد. در تعدیل اقتصادی که زیر عنوان «دوران سازندگی» اعمال شد بسیاری از کارخانه‌های دولتی به‌اصطلاح به بخش خصوصی واگذار شدند. اما طرح خصوصی‌سازی عملاً به صورتی که در ظاهر عنوان می‌شد پیش نرفت و بسیاری از این کارخانه‌های واگذار شده به جای تولید، به فروش مواد اولیه و زمین‌های موجود کارخانه‌ها روی آوردند. خصوصی‌سازی‌ها، تعطیلی کارخانه‌ها باعث اخراج و بیکارسازی در سطح جامعه شده است. مضافاً این‌که بنابر مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی، کارگاه‌های صنعتی ۵ نفر و کم‌تر و نیز تمامی کارگران قالی‌باف در نتیجه‌ی این سیاست و صدها هزار نفر از ابتدایی‌ترین حقوق محیط کار محروم گشته‌اند. و این در حالی است که کارگران ایران فاقد هر گونه تشکل مستقل کارگری خویش هستند. مثلاً کارگران صنایع بزرگ مانند نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع

انسان، نه سود!

مس و فولاد و سایر صنایع سنگین که با تشکیل شوراهای در انقلاب فوریه‌ی ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) نقش قطعی را ایفا کردند، اکنون طبق قانون کار جمهوری اسلامی ایران اجازه‌ی تشکیل اتحادیه‌ی کارگری ندارند. به گفته‌ی یکی از مقامات دولتی در کشور ما نزدیک به ۲۰ هزار کارگاه واجد شرایط ایجاد تشکلهای اتحادیه‌ای وجود دارند اما تشکلهایی که در حال حاضر زیر عنوان «شورای اسلامی» فعالیت می‌کنند و طبق قانون فقط باید با مدیریت همکاری کنند، کم‌تر از ۱۵ درصد کارگاه‌ها را پوشش می‌دهند در حالی که تشکلهای مذکور عملاً به نمایندگی از سوی همه‌ی کارگران در مجامع ملی و بین‌المللی حضور می‌یابند. از همین رو در تجمع‌هایی که در سال جاری به‌مناسبت روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر در تهران و برخی شهرهای ایران برگزار شد فعالان سندیکایی مستقل خواسته‌های خود را بدین شرح اعلام کردند:

۱. به رسمیت شناختن حق تشکل مستقل کارگری
۲. به رسمیت شناختن حق اعتصاب
۳. لغو قراردادهای موقت
۴. ایجاد اشتغال و امنیت شغلی و پیشگیری از خصوصی‌سازی‌های بی‌برنامه
۵. انعقاد پیمان دسته‌جمعی کار

در خاتمه، ضمن سپاس مجدد از شما برای فرصتی که برای ما فراهم آوردید امیدوارم که در آینده نمایندگان تشکلهای شما و نمایندگان تشکلهای مستقل کارگری ایران به منظور آشنایی و آموختن از یکدیگر در ایران و کانادا حضور یافته و به تبادل تجارب خود ادامه دهند.

یاد پرویز بابایی، فعال و پیشکسوت سخت کوش جنبش کارگری، مترجم، نویسنده و دوست کارگران و زحمتکشان ایران گرامی و ما!



پرویز بابایی و علیرضا ثقفی خراسانی

انسان، نه سود!

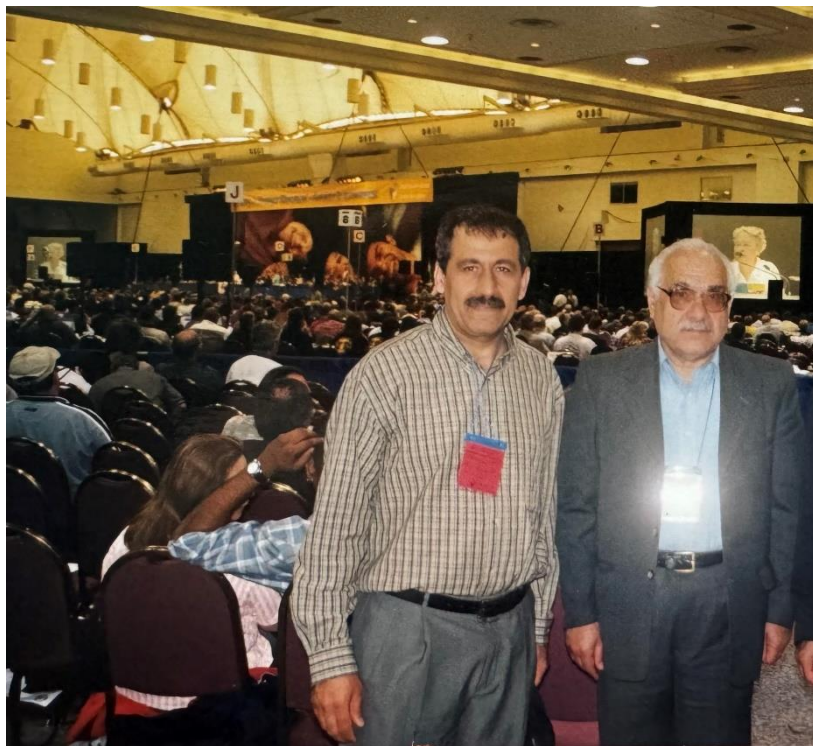


زنده‌یادان پرویز بابایی و یداله خسروشاهی



پرویز بابایی پس از شنا در رودخانه‌ی سرد ونکوور

انسان، نه سود!



پرویز بابایی و محمد صفوی